

مقایسه و تطابق مضامین فرازهایی از دعاهای صحیفه امام رضا(ع) درباره امام

عصر(عج) با آیات و مفاهیم قرآن کریم

فتحیه فتاحی زاده^۱

المیرا آل ابراهیم دهکردی^۲

چکیده

از آن جا که قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت تجسم و تحقق یافته است، سخنان حکیمانه آنان مؤید و بیانگر حقایق و معارف ناب قرآنی می‌باشد. در این راستا ادعیه امام رضا(ع) از نمونه‌های بارز و عظیم این ذخایر قرآنی بوده و شامل دعاهای متعددی از جمله دعای ایشان برای فرزند بزرگوارشان مهدی(عج) و دعایشان برای حضرت مهدی(عج) در قنوت نماز جمعه می‌باشد. این دو دعا که در این اثر به آن‌ها پرداخته شده است، مشتمل بر فرازهای متعددی می‌باشند و محورهای اصلیشان منطبق با آیات قرآن کریم به ستم ستیزی، عدالت مداری و عدل پروری اختصاص دارد. دعای اول با ذکر شریف صلوات آغاز شده و با بیان اسامی مبارک امام عصر(عج) و محورهایی همچون دفاع از حضرت، پناه حضرت حفاظت از حضرت، توکی و تبری، ظهور عدل و نصرت حضرت خاتمه یافته است. دعای دوم با درخواست اصلاح امر حضرت مهدی(عج) آغاز شده و با بیان عبارات قرآنی و محورهایی از جمله تأیید حضرت توسط روح القدس، حفاظت حضرت از هرگونه بدی، تبدیل خوف حضرت به امنیت، شرک زدایی، رفع هرگونه غلبه و سلطنت بر حضرت و اذن جهاد حضرت و درخواست امام رضا(ع) بر قرارگیری در زمره یاران حضرت پایان می‌پذیرد. ایشان با به کار بردن مفاهیم و فرازهای زیبایی از قرآن کریم در این ادعیه، هدف نهایی انبیاء و ائمه(ع) را در یک جامعه آرمانی یا به عبارتی یک جامعه مهدوی که بر پایه عدل و عدالت بنا شده است به تصویر می‌کشند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، امام عصر(عج)، امام رضا(ع)، نصرت، عدالت محوری، ظلم ستیزی.

۱. دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س).

۲. دانشجوی کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا(س).

بی شک اعتقاد به منجی آخر الزمان و آینده سبز مهدوی و باور به شهادت و گذشته سرخ حسینی به همراه کار آمدی ولایت فقیه در عصر دنیا زده و سکولاریزه کنونی، از تفکر اسلامی شیعی اندیشه‌ای پولادین، جاذب، پویا و پر تحرک ساخته که هر دل پاک و اندیشه آزادی را در بدو امر متوجه خود و با اندک تأملی شیفته خود می‌سازد و این معنای حقیقی صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره) می‌باشد. برای درک بهتر موضوع می‌توان به اعتراف دردناک فرانسیس فوکویاما اشاره کرد که «شیعیان در اعتقاد به مهدویت و شهادت، توسط تفکر ولایت فقیه به اوجی رسیده‌اند که ما را یارای دست یافتن به آن‌ها نیست و برای مقابله با این تفکر، باید ولایت فقیه را که موتور محرکه این اندیشه است نشانه گرفت.» بنابراین به راحتی می‌توان این همه بغض و کینه را در دل سران غربی بی دین، نسبت به تفکر ولایت فقیه دریافت. از آن جا که این مقاله می‌تواند به میزان بضاعت ما به بخشی از این اندیشه یعنی تفکر مهدوی کمک کند، به خصوص اینکه از جانب هشتمین معصومی مطرح شده که ۱۰۷ سال قبل از ولادت امام عصر (عج) می‌زیسته است، بر آن شدیم تا بخشی از دین خود را نسبت به این تفکر مقدس و جاویدان با عرضه این اثر ناقابل به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) ادا نموده باشیم.

۱- بیوگرافی

حضرت مهدی (عج) دوازدهمین امام شیعیان در سپیده دم جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شد و تا سال ۲۶۰ در کنار پدر زندگی می‌کرد. پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ امامت حضرت مهدی (ع) آغاز شد. مرحله اول امامت ایشان که تا سال ۳۲۹ طول کشید، غیبت صغری نامیده می‌شود. امام در این دوره زندگی

مخفی داشت، اما از طریق یکی از یاران صمیمی و مورد اعتماد خود به نام عثمان بن سعید عمروی با شیعیان در ارتباط بود و آنان را رهبری می‌کرد. پس از درگذشت این شخص، به ترتیب سه نفر دیگر به نام‌های محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمری این مسئولیت را بر عهده داشتند. این چهار شخصیت بزرگوار به نواب اربعه معروف‌اند. شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر(عج) برای ایشان نامه‌ای نوشتند و فرمودند که پس از خود جانشینی تعیین نکند که مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری آغاز شده است. غیبت کبری با خاتمۀ نیابت خاصه و مکاتبات حضرت با نواب از سال ۳۲۹ شروع شده و تا هنگام ظهور حضرت ادامه خواهد داشت. اما این نهمان زیستی امام زمان(عج) در این دوره طولانی هرگز به معنای وانهادگی کامل انسان‌ها، تعطیل گشتن احکام و تکالیف الهی و بی رهبر ماندن مسلمانان و شیعیان نیست. امام در عصر غیبت هم آثار وجودی فراوانی در نظام تکوین و تشریح دارد. به روایتی امام غایب چونان خورشیدی است که در پس پرده ابر مانده باشد، فیض وجود او سبب استقرار زمین و استمرار حیات زمینیان است(واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰: ص ۵).

۲- ملازمات مودت نسبت به اهل بیت

اینک سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که وظیفه شیعیان در رابطه با امام زمان(عج) در دوره غیبت چیست و شیعیان در قبال اجر رسالت و زحمات ایشان چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم(ص) میفرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری/۲۳). با توجه به این آیه شریفه که به آیه مودت نیز مشهور است، وظیفه اصلی شیعیان در قبال امام عصر(عج) مودت ایشان بیان شده و این نکته دریافت می‌شود که انبیاء در قبال رسالت خود پاداش مادی نمی‌خواهند، ولی مزد معنوی و

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

هدایت مردم را خواهانند که این مزد در واقع به نفع خود مردم بوده است. اما محبت و دوستی به تنهایی پاسخگوی اجر رسالت ائمه نیست، بلکه با سه امر ملازم می‌باشد که عبارتند از: شناخت، محبت و اطاعت. حال به شرح مختصر آنها می‌پردازیم.

۱-۲- شناخت

از مهمترین تکالیف مؤمنان پس از معرفت به خدا و رسول او، معرفت و شناخت ولی امر امام زمان(عج) است. تا انسان کسی را نشناسد نمی‌تواند به او عشق ورزد. در این باره پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است» (شجاعی، ۱۳۸۴: ص ۲۱).

۲-۲- محبت

پس از معرفت، محبت اهل بیت دارای ارزش و اعتبار فوق العاده‌ای است. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «بالا تر از هر عبادتی، عبادتی است و محبت اهل بیت برترین عبادت‌هاست» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۶۱۵). حتی نفس این اظهار محبت، عشق و نیاز به آن محبوب مطلوب حضرت حق بوده تا حدی که محبت امام زمان(عج) همان محبت خداوند نامیده شده است (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۶۱۴). از این رو اگر ادعیه و زیارات خاصدر باب حضرت بتواند شعله محبت را در دل شیعیان نسبت به امام عصر افزون‌تر کند، انجام آن وظیفه‌ای خواهد بود که بر عهده ما شیعیان قرار گرفته است.

۳-۲- اطاعت

باید دانست که محبت امام زمان(عج) طریقت دارد. وقتی فردی محبّ یک انسان کامل مانند حضرت ولی عصر(ع) می‌شود طبیعی است که لازمه اش، تبعیت محبّ از محبوب است؛ زیرا مودت بدون اطاعت، نوعی تظاهر و ریاکاری بوده و امامت یک امام جز با اطاعت امت از او و پیشوایی یک رهبر جز در سایه فرمان‌پذیری پیروانش تحقق نمی‌پذیرد. خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر برای اینکه اطاعت شود «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله...» (نساء/۶۴) و هیچ امامی را تعیین نفرمود مگر آنکه مردم را به اطاعت از او فرا خواند «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» (نساء/۵۹).

همان‌طور که بیان شد یکی از وظایف ما یا به عبارتی یکی از مصداق‌های مودت که مورد بحث ما هم می‌باشد، محبت و دعا برای امام عصر(عج) می‌باشد. دعا برای فرج امام زمان(عج) به عنوان یک وظیفه و تکلیف در عصر غیبت، در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. در تعبیر زیبایی از امام زمان(عج) که در ذیل فرمان برای تعجیل فرج وارد شده، کثرت دعا به خودی خود فرج و گشایش شیعیان به شمار آمده است: «اکثروا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجٌ لَكُمْ» (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶). خداوند متعال نیز در باب اهمیت دعا در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْجُو بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...» (فرقان/۷۷) «بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما عنایتی نمی‌فرماید». با توجه به دلالت همین آیه شریفه است که می‌توان گفت: عنایت و فضل خداوند که نا محدود و بی‌انتهای می‌باشد، به مدد دعا و خواستن از او دست یافتنی است. بی‌تردید شرایط سخت دوران غیبت به گونه‌ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی(عج) نمی‌توان بر اطاعت و تبعیت ایشان باقی ماند و جز با دعا برای نزدیکی فرج نمی‌توان روح امید را در دل زنده نگه داشت و در برابر دشواری‌های غیبت مقاومت نمود. ادعیه اهل بیت که

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

به تعبیری قرآن صاعد خوانده می‌شوند، در رابطه با حضرت مهدی (عج) بسیار متنوع می‌باشد. با توجه به این اصل که تا انسان‌ها از درون متحول نگردند و ریشه‌های ستمگری در وجودشان خشکانده نشود، عدل‌پروری و عدالت‌گستری امری ناممکن و غیر عملی خواهد بود، ادعیه می‌توانند بزرگترین نقش را در این بعد ایفا کنند و موجب پاک‌سازی درونی انسان‌ها شوند. بدین ترتیب می‌بینیم که با روشی عملی و شیوه‌ای بسیار متین و هم سو با قرآن کریم به ستم ستیزی و عدالت‌مداری و عدل‌پروری پرداخته شده است به طوری که ائمه اطهار قبل از ولادت قائم آل محمد (عج) بخشی از بهترین حالات خود را به ایشان اختصاص داده‌اند و دعاهایی را در رابطه با امام زمان (عج) به شیعیان خود تعلیم داده‌اند. یونس بن عبد الرحمن در این باره می‌گوید: «إِنَّ الرُّضَا كَانَ يَأْمُرُ بِالذُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ» (واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰: ص ۵۸) و در باب کیفیت دعا بیان می‌کند که امام هشتم فرمودند حضرت صاحب الامر را این گونه دعا کنید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ...» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۳). از مقاتل بن مقاتل نیز روایت شده: «حضرت رضا (ع) فرمود در قنوت نماز جمعه چه می‌خوانی؟ گفتم آنچه مردم (اهل سنت) می‌خوانند، فرمود همانند آنها نخوان بلکه بگو اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ...» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸).

این روایات حاکی از آن است که در زمان امام رضا (ع) تبیین جایگاه امامت به طور جدی مطرح بوده است.

۳- شرح گزیده‌ای از فرازهای دعای حضرت رضا (ع) برای فرزندش حضرت مهدی (عج)

۱-۳- صلوات: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۳)

فراز ابتدائی این دعا با درخواست درود فرستادن بر رسول گرامی اسلام و خاندان پاک او آغاز گردیده است. هدف امام رضا(ع) از ذکر صلوات در ابتدای دعا بیان دو مطلب می‌باشد. همان‌طور که میدانیم از شرایط مقدماتی دعا تمجید و تکریم پروردگار متعال و درود و سلام بر آخرین پیامبر و اهل بیت می‌باشد و این نه تنها مورد توجه بوده، بلکه خداوند ایمان آورندگان را به این امر فرمان می‌دهد «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶) و در آیه دیگر خداوند متعال خود و ملائکه را عامل به این عمل معرفی میکند «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب/۴۳) یعنی خداوند متعال و فرشتگان بر مؤمنان درود می‌فرستند تا آن‌ها را از ظلمات خارج کنند و به نور برسانند. علاوه بر این درود الهی بر معصوم(ع) نور و مصداق کامل آیه «... وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» (انعام:۱۲۲) بوده و رحمت به شمار می‌آید، زیرا آن‌ها نیز محتاج رحمت الهی‌اند و زمانی که رحمت به آنها نازل شود به دیگران هم میرسد، چون آن‌ها مجرای فیض هستند و اگر بخواهد خیری به دیگران برسد باید نخست بر ایشان که رحمت خاصه‌اند نازل شود و سپس به دیگران برسد. مرحوم علامه طباطبایی در این رابطه فرموده‌اند: معنای صلوات بر محمد و آل محمد این است که خدایا رحمت را بر آن‌ها فرو فرست که از آنان به ما برسد. اگر بخواهد رحمتی ببارد ابتدا بر این خاندان می‌بارد و سپس به دیگران می‌رسد. بنابراین طلب رحمت کردن مستلزم اجابت دعاست؛ یعنی علاوه بر این که صلوات موجب رحمت الهی بر امام زمان(عج) است، آثار آن متوجه جهانیان نیز می‌شود.

۲-۳- دفاع از حضرت مهدی(عج): «ادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرَ عَنكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةَ فِي بَرِّيَّتِكَ وَ الشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ (المجتهد عبدک العائد بک)» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۳ و ۲۰۴)

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

گویا امام رضا(ع) در این بخش از دعا به ما می‌آموزند که با وجود مصون و محفوظ بودن امام زمان(عج)، درخواست ما از خداوند برای حفظ حضرت از بلاها مؤثر است. حقیقت امر این است که هرچند طبق وعده الهی حضرت زنده و باقی هستند تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه جهان به اهتزاز در آورند، ولی امور مختلفی می‌تواند موجب تأثر و تألم حضرت شود و در حد آزار روحی به ایشان لطمه بزند. انسان‌ها همواره تصور میکنند که برای دفاع از اهل بیت عصمت و طهارت آماده هستند، ولی تاریخ نشان داده است در عرصه امتحان و عمل موفق و سربلند نبوده‌اند. چه بسا خود مسلمانان خطرهایی را برای اسلام به وجود آورده‌اند و حتی به امام زمان خود آسیب‌هایی رسانده‌اند، چنانچه امام صادق(ع) درباره آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا...» (حج/۳۸) در پاسخ به اسحاق بن عمار می‌فرماید: «نَحْنُ الَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ يُدَافِعُ عَنَّا مَا أَزَاعَتِ شِيعَتَنَا» یعنی «آن‌هایی که ایمان آورده‌اند ما هستیم، خداوند متعال از ما دفاع می‌کند به هنگامی که پیروانمان ما را اذیت می‌کنند».

۳-۳- امام شناسی

در این فراز به ۹ وصف از اوصاف امام عصر(عج) اشاره شده است که به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۳-۱- «ولی»

ولی در لغت به معنای نزدیکی و قرب و در اصطلاح متون دینی و اسلامی به معنای سرپرست است خصوصاً بر اساس روایات واقعه غدیر خم، که معصومان هم خود و هم

فرزندان خود را با این کلمه معرفی نموده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، ولیّ در اصطلاح به معنای سرپرست و در لغت به آن دو چیزی گویند که آنچنان به هم نزدیک هستند که فاصله‌ای بین آنها نیست، لذا خداوند ولیّ مؤمنان است و آنها ولیّ خداوند «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا...» (بقره/۲۵۷). بنابراین اگر گفته می‌شود امام زمان(عج) ولیّ خداست یعنی نزدیکترین خلق به خداوند که نماینده الهی به شمار می‌آید و از طرف خداوند متعال سرپرست بر مردم معرفی شده است.

۳-۲- «خلیفه»

این واژه از القاب حضرت شمرده شده و به معنای نماینده و حاکم از جانب خداوند در میان بندگان و مسئول اجرای اوامر و فرمان‌های او در زمین می‌باشد و به عبارتی به معنای جانشین خداوند است. از آیه شریفه «يَا ذَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَّا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...» (ص/۲۶) دریافت می‌شود که اولاً مقام خلافت امام زمان(عج) از جانب خداوند است، ثانیاً حکومت ایشان در زمین از حکومت الهی نشأت می‌گیرد و هر حکومتی غیر از حکومت ایشان حکومتی ظالمانه و غاصبانه است و ثالثاً نتیجه خلافت الهی ایشان حکومت حق است که عاری از هرگونه انحرافات نفسانی می‌باشد. همچنین این واژه به معانی متعددی آمده است از جمله:

۱. کسی که در کاری به جای دیگری قرار گیرد.

۲. بزرگترین فرمانروا و پرشکوهترین زمامدار.

۳. امام راستین و پیشوای والایی که برتر از او نیست.

به راستی حضرت مهدی(عج) عالی‌ترین مصداق واژه خلیفه است که همه معانی این واژه را داراست و قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده است «...إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره/۳۰) مقامی که ملائکه از درک آن عاجز بوده‌اند، آن جا که خداوند فرمود: «...قَالَ إِنِّي

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۳۰) و شیطان با آن همه عبادت نتوانست این منزلت را درک کند. در روایت است که حضرت مهدی (عج) در فرازی از نخستین سخنرانی خود پس از ظهور می‌فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ» (تونه‌ای: ۱۳۹۰، ص ۳۰۴).

۳-۳-۳- «حِجَّتْ»

این واژه در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنما می‌باشد و به عنوان لقب حضرت مهدی (عج) به معنی سلطنت خداوند بر خلائق است که به واسطه آن حضرت به ظهور می‌رسد. این واژه در آیاتی از جمله «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام/۱۴۹) آمده که معصوم (ع) در رابطه با آن فرموده است: «نَحْنُ حُجَّةٌ بِالْغَةِ» (کلینی ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۵۱۶). در روایت است که نقش انگشتر آن حضرت «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَالِصَتُهُ» می‌باشد. (تونه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۲۷۴)

۳-۳-۴- «لِسَانٌ»

این لقب به این معناست که امام زمان (عج) گویای پیام حضرت حق می‌باشد؛ یعنی حقایق الهی را بیان می‌کند و پیام‌ها و احکام و آداب به واسطه ایشان برای اهل عالم ظاهر می‌شود.

۳-۳-۵- «نَاطِقٌ»

ناطق اسم فاعل است و بر استمرار امر دلالت می‌کند یعنی ایشان وجودی صامت و ساکت نیست، بلکه امامی است که بر اساس حکمت خداوند ناطق علوم خواهد بود. امام زمان (عج) گویای به حکمت خداوند هستند و هیچ کلامی بر اساس سلیقه فردی و میل

شخصی از ایشان صادر نمی‌شود. سراسر نطق امام(عج) گفتار حکیمانه‌ای است که به اذن حضرت حق به ما عرضه می‌شود «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (نجم/۳). در شرح اسم مبارک «خلیفه» دانستیم که لازمه خلافت الهی و حکم کردن به حق طبق آیه ۲۶ سوره ص، پیروی نکردن معصوم(ع) از هوای نفس می‌باشد و چون حضرت، مقام خلافت الهی را از سوی خداوند دریافت نموده، بدون هیچ تردیدی از هوی پیروی نکرده است «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَّا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...» (ص/۲۶). بنابراین مستند به آیه ۳ سوره مبارکه نجم، ایشان ناطق به حکمت خداوند می‌باشند.

در حقیقت «کتاب الله» قرآن صامت و «ولی الله» قرآن ناطق بوده، همان‌گونه که قرآن حکیم حاوی سخنان حکیمانه خداوند متعال است، امام زمان(عج) نیز تمامی گفتارشان از حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد. القائات ایشان از «لسان الله» صادر شده و نطقی نشأت گرفته از حکمت است.

۳-۳-۶- «عین»

از دیگر القاب حضرت عین الله است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «...إِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (فصلت: ۴۰). خداوند بر تمام اعمال و رفتار انسان، حتی به افکاری که در اعماق وجود او نقش می‌بندد شاهد و ناظر است. علاوه بر این که سراسر عالم محضر خداست، محضر رسول خدا و اهل بیت(ع) نیز می‌باشد و آنان همانند خداوند بر اعمال و گفتار و افکار انسان، بلکه بر آنچه در عالم هستی می‌گذرد ناظر و بینا هستند و در این زمینه آیات و روایات بسیاری موجود است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ اِعْمَلُوا فَمَنْ سَبَّحَهُ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...» (توبه/۱۰۵) که بنابر روایت، مومنان همان ائمه‌اند (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۱۸). آن حضرت دیده خداوند است و چونان خداوند و نیاکان

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

پاکش ناظر بر چرخ گردون می‌باشد. امام زمان (عج) همچون ابراهیم (ع) عالم مُلک و ملکوت را نظاره گر می‌باشد و در زمین و یا هر جای دیگر هیچ حرکتی از چشم او دور نمی‌ماند. چنانچه امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۰).

۳-۳-۷- «شاهد»

حضرت مهدی (عج) گواه اعمال امت است و همان‌طور که توضیح داده شد اعمال آن‌ها را می‌بیند و این آگاهی از طریق عرض اعمال بر پیامبر (ص) و ائمه اطهار تحقق می‌پذیرد. آنچه امت انجام می‌دهند او تحمل نموده و روز قیامت آن را ادا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶ ج ۱۶، ص ۴۹۴). خداوند متعال شاهد و گواه بودن این بزرگواران را در آیات متعددی بیان نموده، از جمله می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا» (مزل/۱۵) و یا در آیه دیگر صراحتاً پیامبر (ص) را با لفظ شاهد مخاطب قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (احزاب/۴۵). در آیه‌ای دیگر خداوند ائمه اطهار را شاهد و پیامبر اکرم (ص) را شاهد شاهدان معرفی می‌کند «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء/۴۱). حضرت مهدی (عج) به عنوان شاهد، حتی بر اعمالی که از حس آدمی پنهان است، حقایق و باطن اعمال و معانی نفسانی از کفر و ایمان و فوز و خسران آگاه می‌باشد.

۳-۳-۸- «ججاج مجاهد»

برای ججاج سه معنا ذکر شده است:

الف) سرور قوم: امام زمان(عج) نه تنها برترین امت پیامبر(ص) است، بلکه بر همه مردم جهان سیادت و سروری دارد.

ب) کسی که برای انجام کار با شتاب و بدون تأخیر اقدام کند: حضرت مهدی(عج) بدون هیچ تساهل و تسامحی به انجام مسئولیت‌هایش مبادرت ورزیده و بدون هیچ‌گونه تأخیری در جهت رشد و تعالی ما اقدام می‌نماید.

ج) تلاشگر موفق: تلاشگری که برای رسیدن به خواسته اش غالب شده و مغلوب شرایط نمی‌شود. امام زمان(عج) در جهت رفع ظلم و فساد در کل عالم تلاش نموده و آخر الامر به این هدف نائل می‌شود. حضرت مهدی(عج) برای وصول ما به کمال مجاهده می‌کند. او همچون پدری مهربان است که از هیچ تلاشی برای رشد و بالندگی فرزندش فروگذاری نمی‌کند(بروجردی، سلسله دروس امام زمان شناسی).

۳-۳-۹- «عبد»

عبد به معنای بنده می‌باشد و عبادت یعنی جز بر پیشگاه معبود جبین نسائیدن، در برابر فرمان او تسلیم بودن و رضای او را طلبیدن. بندگی خداوند سرچشمه همه فیوضات الهی و هنر پیامبران و ائمه می‌باشد، به طوری که حضرت عیسی(ع) در اولین کلام به اذن خداوند خود را «عبدالله» معرفی نمود. در ادامه همین دعا امام عصر این‌گونه معرفی شده «فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ». با توجه به آیات قرآن کریم در می‌یابیم که خداوند متعال هدف خلقت را بندگی معرفی می‌کند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) و ظرف هدایت را همین عبودیت دانسته «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه/۵ و ۶) و در سوره اسراء پروردگار دلیل معراجو نبوت و رسالت پیامبر اعظم(ص) را عبودیت ایشان ذکر می‌کند «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ» (اسراء/۱). پس عبد سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده اش تابع اراده او و خواسته اش تابع خواست

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

اوست. این اسم یکی از اسامی حضرت مهدی(عج) بوده، به طوری که از حضرت رسول(ص) روایت شده «اسم مهدی(عج)، احمد و عبدالله و مهدی است» (تونه‌ای، ۱۳۹۰ ص ۴۷۹). با توجه به آیات بالا در می‌یابیم که ائمه و پیامبران به سبب بندگی خویش مورد عنایت و توجه خاصه خداوند قرار گرفته‌اند، و اگر بخواهد افاضه خیری به حجت خداوند برسد، به سبب «عبد» بودن او می‌باشد.

به گونه‌ای هدف امام رضا(ع) از بیان القاب مبارک امام زمان(عج)، نوعی اتمام حجت بر خلق جهان، اعم از اهل حق، اهل باطل، موافقان نهضت جهانی و مخالفان آن می‌باشد، به طوری که آوازه حضرت شرق و غرب عالم را فرا گیرد و احدی از مردم نباشد که امام عصر(عج) را با تمام مشخصات شناسد، مانند اهل کتاب که قبل از ظهور پیامبر(ص) او را با همه خصوصیاتش می‌شناختند «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره/۱۴۶) (کاشانی، ۱۳۷۶ ص ۱۵۸).

۳-۴- پناه دهی به حضرت مهدی(عج) در برابر شرور: «اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)

در ابتدا باید توجه شود که امام زمان(عج) مظهر اسم عزیز(نفوذ ناپذیر) خداوند است، بنابراین هیچ کس نمی‌تواند به عصمت و ولایتش خدشه‌ای وارد کند و خداوند ایشان را کفایت می‌کند. شری که از سوی مخلوقات متوجه امام عصر(عج) می‌شود، لطمه به ظهور حضرت است. هرکدام از ما می‌توانیم با معصیت و اخلال در انجام کار، موجب تأخیر در ظهور امام عصر(عج) شویم و در این فراز از خدا می‌طلبیم که نگذارد جهالت‌ها و معصیت‌های ما موجب رنجش ولی عصر(عج) شود.

«شَرَّ جَمِيعَ مَا خَلَقْتَ»، یعنی شر از سوی مخلوقات است. مفهومش این نیست که آفرینش الهی در ذات خود شری دارد، چرا که آفرینش همان ایجاد است و ایجاد خیر محض می‌باشد. همانا خلقت خداوند عین رحمت است و احسن معرفی شده «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...» (سجده/۷) بنابراین شرّ نه از سوی خالق است و نه ناشی از خلقت، بلکه شرّ هنگامی پیدا می‌شود که مخلوقات از قوانین آفرینش منحرف شوند و از مسیر تعیین شده جدا گردند» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۲۷، ص ۴۵۹).

حال امام رضا(ع) در این بخش از دعا از خداوند متعال می‌خواهد که حضرت حجت(عج) را از شرور مخلوقات ارضی و سمائی که دارای صورت و ماده‌اند و یا آن‌هایی که صورت بی ماده‌اند پناه دهد. این مطلب نشان دهنده دید وسیع و تیزبینی امام هشتم(ع) در دعا برای حفظ حضرت می‌باشد. اما منظور امام رضا(ع) از شر مخلوقات چه نوع شرّی است. برای درک این مطلب به قرآن رجوع می‌کنیم. خداوند متعال بعد از این که در سوره فلق به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید بگو از شرّ هر چه که او خلق کرده و دارای شرّ است به خدا پناه می‌برم به چهار نوع شرّ توجه می‌دهد که با توجه به دعای امام رضا(ع) می‌توانند تهدید کننده جان حضرت مهدی(عج) باشند:

۱. توطئه‌ها و شرور پنهان و در تاریکی «و مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ» (فلق/۳)

۲. شرور زبان‌های ناپاک «مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق/۴)

نفاثات جمع نفثه صیغه مبالغه است. تبلیغات سوء، جوسازی‌ها، سخن چینی‌ها، جاسوسی-ها، شایعه پراکنی‌ها نمونه‌هایی از «نَفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» میباشد. یعنی دشمن آنقدر می‌دمد تا تبلیغاتش مؤثر واقع شود و محکومات سست گردند(تفسیر نور، ۱۳۸۵ ج ۱۲، ص ۶۴۵). شاید مصداق امروزی آن تبلیغات سوء سینمای هالیوود در تخریب مفهوم مهدویت در جهان باشد که با تلاش شبانه‌روزی و هزینه‌های هنگفت سعی در وارانہ نشان دادن حقیقت دارند.

۳. شرور حسادت‌ها و رقابت‌های منفی «مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق/۵)
 ۴. شرور وسوسه گران جن و انس «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس/ ۴ و ۵ و ۶).

با توجه به آیات قرآن در هر عصر و زمانی برای هر نبی و فرستاده خداوند دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته‌اند و خداوند در این آیات از پیامبر(ص) می‌خواهد از شرّ آنها به او پناه ببرد. در تأیید این مطلب در بعضی از کتب شیعه امامیه روایاتی از جمله این روایت آورده شده که: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ» (تونه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۴۲۸). آری این‌ها سپاه شیطان‌اند که از طرف خداوند تا روز معینی مهلت داده شده‌اند «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (حجر/ ۳۷ و ۳۸) و آن روز معین و وقت معلوم به روایت امام صادق(ع) زمان قیام قائم آل محمد(عج) می‌باشد که مهلت شیطان و سپاهیانش به پایان می‌رسد (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۴۴۳). بنابراین شیاطین جن و انس از هیچ تلاشی برای به تأخیر انداختن این مهلت و آرزیدن امام زمان(عج) از طریق فریفتن و وسوسه نمودن و ناامید کردن شیعیان فروگذاری نمی‌کنند. البته طبق آیات قرآن کریم این پناه از شرّ در هر حالی لازم بوده، خواه آن جا که خطر باشد «شَرُّ مَا خَلَقَ»، خواه دریافت کمال باشد «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل/۹۸)

متأسفانه یکی از القاب امام عصر(عج) شریّد به معنی رانده شده می‌باشد یعنی رانده شده از خلیق. چون حضرت را نشناختند، قدر وجودش را ندانستند، ذریه طاهرش را کشتند و حتی ادله‌ای بر نفی ولادتش اقامه کردند. آن حضرت به ابراهیم بن علی مهزیار فرمود «پدرم به من وصیت نمود که در زمین منزل نگیرم، مگر جایی که از همه جا مخفی‌تر و دورتر باشد، به جهت پنهان کردن امر خود و محکم کردن محل خود از حيله دشمنان و

گمراهان» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۴۲۹). با این توصیفات بی علت نمی‌باشد که امام رضا(ع) این‌گونه برای حفظ امام زمان(عج) از شر مخلوقات، دست نیاز به درگاه قادر مطلق بلند می‌کند.

۳-۵- حفاظت همه جانبه از حضرت مهدی(عج): «وَ احْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ یَمَیْنِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِی لَا یَضِیْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...» (رعد/۱۱) یعنی «برای انسان مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو و از پشت سرش او را از حوادث غیر حتمی حفظ می‌کنند». «معقبات» چنانچه طبرسی در مجمع البیان و بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند به معنی گروهی است که پی در پی به طور متناوب به دنبال کاری می‌روند. بدون تردید انسان در معرض آفات و بلاهای زیادی از درون و بیرون قرار دارد. به روایتی از امام باقر(ع) در تفسیر آیه فوق، انسان در معرض بلاهایی هم چون «سقوط در چاه یا فرو ریختن دیوار بر انسان» می‌باشد. این حوادث مخصوصاً به هنگام کودکی که آگاهی انسان از اوضاع اطراف خود بسیار ناچیز است تهدید کننده جان آدمی می‌باشند. لذا دو فرشته‌اند که در شب او را حفظ می‌کنند و دو فرشته‌اند که در روز به این وظیفه می‌پردازند، تا زمانی که مقدرات حتمی فرا رسد در این هنگام آن‌ها کنار می‌روند و او را تسلیم حوادث میکنند. این حفظ و حراست، شامل امور مادی و معنوی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۱۷۰). البته مراد از «معقبات» تعقیب انسان نیست تا با «مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ» منافات داشته باشد، بلکه منظور تعاقب و پی در پی آمدن ملائکه در شب و روز است. امام رضا(ع) در حقیقت از خداوند متعال درخواست می‌نماید که این

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

حفظ و حراست را به طوری همه جانبه و با احاطه‌ای کامل درباره‌ی امام زمان (عج) چه در زمان گذشته و حال و چه در زمان آینده انجام دهد.

۳-۶- حفظ دستاوردهای و حیانی به واسطه حفظ حضرت مهدی (عج): «وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ اُئِمَّتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴)

حضرت مهدی (عج) ادامه‌ی نبوت و امامت است. دعا برای سلامتی ایشان، دعا برای حیات تمام دست آوردهای و حیانی و آسمانی است. البته پروردگار متعال هم برای حفظ ایشان تدابیری به کار بسته و می‌بندد، همان‌طور که برای انبیاء و ائمه‌ی پیشین به کار بسته است، ولی انسان‌ها نیز وظیفه دارند از خداوند متعال برای آخرین حجت سلامت و تندرستی درخواست نمایند. اما دلیل اهمیت دعا برای سلامتی امام زمان (عج) چیست که امام رضا (ع) حدود یک قرن پیش از ولادت حضرت این‌گونه برای حفظ سلامتی ایشان دعا می‌فرمایند؟ پاسخ این است که امام مهدی (عج) واسطه‌ی فیض و محور عالم هستی است و اگر او نباشد هیچ مخلوقی حق حیات ندارد. به عبارت دیگر ثمره‌ی دعوت و رسالت انبیاء و تحقق وعده‌های الهی به مؤمنان، صالحان و مستضعفان در سایه‌ی حکومت امام زمان (عج) تحقق می‌پذیرد. در روایتی امام زمان (عج) می‌فرمایند: «...إِنِّي لَأَمَانٌ لِّأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِّأَهْلِ السَّمَاءِ...» (واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰: ص ۶) که این روایت ما را بر اهمیت دعا برای سلامتی حضرت آگاه می‌سازد. علاوه بر این دعا برای سلامتی ایشان نوعی اظهار علاقه و ارادت می‌باشد.

۳-۷- تولی و تبری: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴)

در اسلام دو اصل به نام تولی و تبری و به تعبیر دیگر «حُبُّ فی الله» و «بُغْضُ فی الله» وجود دارد که هر دو در واقع اشاره به یک حقیقت است. طبق این اصل ما موظفیم دوستان خدا را دوست بداریم و دشمنان خدا را دشمن بداریم و پیشوایان بزرگ دین؛ یعنی پیامبر(ص) و امامان معصوم را در همه چیز الگوی خود قرار دهیم. در اصطلاح تولی به معنی اعتقاد به امامت و خلافت ائمه اطهار و اظهار دوستی و علاقه نسبت به ایشان و تبری به معنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان است. تا تولی و تبری نباشد بقیه اعمال، عبادات و اطاعات بی حاصل خواهد بود. برای روشن شدن چگونگی تولی و تبری به قرآن رجوع می‌کنیم. خداوند متعال در قرآن کریم در بحث تولی و تبری می‌فرماید: هرکس می‌خواهد بداند چگونه تولی و تبری داشته باشد به حضرت ابراهیم(ع) نگاه کند که چون عمویش بت پرست بود و در برابر استدلالهای او لجبازی می‌نمود با او قطع رابطه کرد، به طوری که خداوند فرمود: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه/۴). خلاصه این که دوستی نشانه دارد و نشانه آن طبق آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...» (آل عمران/۳۱) اطاعت و پیروی است، یعنی اگر ما ادعای دوستی امام عصر(عج) را داریم باید مطیع امر او باشیم. بنابراین امام رضا(ع) در حقیقت از خداوند درخواست می‌کند که دوست بدار کسی را که او را دوست میدارد و اطاعت میکند و دشمن دار کسی را که او را دشمن میدارد. به علاوه امام رضا(ع) در روایتی دیگر نیز اصل تولی و تبری را کمال دین معرفی می‌نمایند «كَمَالُ الدِّينِ وَلاِئْتِنَا وَ البراءةُ مِنْ عَدُوِّنَا»

۳-۸- ظهور عدل: «اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدَقَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفُتُقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوَرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ» (موحد ابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)

در تعریف لغوی عدل آمده است «هو توسُّطُ بَیْنِ الْاِفْرَاطِ وَ التَّفْرِیْطِ بِحِیْثُ لَا تَكُونُ فِیْهِ زِیَادَةٌ وَ لَا نَقِیصَةٌ وَ هُوَ الْاِعْتِدَالُ وَ التَّقْسُطُ الْحَقِیْقِی» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۵۶) و در

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

تعریف اصطلاحی آن بیان شده است که «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (امام علی (ع)، ۱۳۸۸ ح ۴۳۷، ص ۶۶۵). این تعریف شامل همه امور می‌گردد حتی عزل و نصب در منصب‌ها یعنی انسان‌های شایسته در هر نقطه که صلاحیت و شایستگی را داشته باشند قرار می‌گیرند و آدم‌های نالایق قطعاً در پست و مقام کلیدی قرار نمی‌گیرند. در تعریف دیگری آمده «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» یعنی حق هر کسی را به او دادن. در حقیقت عدل یکی از مفاهیم ارزشمند قرآن کریم است که در ادعیه اهل بیت و زیارات ویژه امام مهدی (عج) مطرح شده است. عدل یکی از گرایش‌های فطری بشر است. همه انسان‌ها به حکم عقل و شرع و نیز به حکم فطرت، طرفدار عدل و نیز مأمور به پذیرش عدلند. امام زمان (عج) که عهده دار تحقق اهداف همه انبیاء است باید عدل الهی را برای همه بندگان خدا در زمین پیاده کند به همین خاطر حکومت امام زمان را حکومت عدل جهانی می‌نامند.

امام زمان (عج) مأمور الهی است برای این که تمامی شکاف‌هایی که در دین و فرهنگ و زندگی بشری ایجاد شده پر کند و تمام لطمه‌ها، بدعت‌ها و کژی‌هایی را که توسط بی‌دینان وارد شده رفع نماید و یکی از اصلی‌ترین اهداف ایشان این است که ظلم و جور و بدی در رفتار و گفتار مردم را نابود کند و خلق و خوی عدالت محور را آشکار نماید. چنین امام بزرگواری زینت روی زمین می‌باشد، به این دلیل که تحقق بخش مقصود رسالت و هدف پیامبران است. در دوران حکومت او جامعه آرمانی پیامبران پا به عرصه وجود می‌گذارد و هدف از خلقت محقق می‌شود. بر اساس روایات و آیات قرآن مجید یکی از اهداف همه انبیاء الهی و ائمه اطهار اجرای عدالت در جامعه بشری بوده است. خداوند متعال در قرآن، هدف از ارسال رسل و انزال کتب را تحقق عدالت معرفی کرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵). می‌دانیم که انبیاء و ائمه مظلوم ما موفق نشدند آن‌گونه که می‌خواستند در قلمرو حاکمیت خود عدل را پیاده

کنند. امیر المؤمنین علی(ع) با آن که همه تلاش خود را صرف پیاده کردن عدل نمود، اما کشته عدالت شد. عدالت امام مهدی(عج) قابل قیاس با موارد دیگر عدالت‌ورزی نیست بدین سبب سیره ایشان را «أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرِهِ» خوانده‌اند، یعنی روشی که نه پیش از حضرت کسی قادر به انجام آن بوده است و نه امکان عدالتی برتر و کامل‌تر از آن وجود دارد... «اقم به الحدودَ الْمُعْطَلَةَ و الأحكامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۲۹۳). دامنه ظهور این عدالت به قدری وسیع بوده که امام صادق(ع) در تفسیر آیه «...إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» (حدید/۱۷) فرموده‌اند: «أَنَّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بَعْدَ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجُورِ أُمَّةٍ الضَّلَالِ» (نعمانی، ۱۳۹۰: ص ۱۶) یعنی جامعه انسانی که به سبب ظلم و جور سردمداران ستمگر از نفس افتاده و به مرده‌ای تبدیل گشته است، پس از قیام حضرت مهدی(عج) زنده می‌شود و از جای بر می‌خیزد. امام زمان(عج) زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است، از قسط و عدل پر میکند. به تعبیر زیبای امام علی(ع) منظور از آیه شریفه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّيَهَا» (شمس/۳) امام زمان(عج) است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند (تونه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۷۴۷).

۳-۹- نصرت حضرت مهدی(عج): «وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قُوَّةُ بَقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفُهُ بِمَلَأْنِكَ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)

از وظایف مؤمنان، نصرت و یاری کردن آن حضرت می‌باشد که نصرت خداوند متعال است. اما سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که به چه دلیل باید امام زمان(عج) را یاری کنیم؟ این سنت خداست که در همیشه تاریخ، حق و باطل در ستیز بوده و هستند. هیچ پیامبری را خدا نفرستاد، مگر آنکه دشمنانی از جن و انس در مقابل او به صف آرایی پرداختند «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ...» (انعام/۱۱۲). امام زمان(عج) نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به خاطر نقش او در حاکمیت جهانی

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

توحید و عدل، همه مستکبران در ادوار گوناگون تاریخ پر فراز و نشیب غیبت، به ستیزه‌ای همه جانبه با او برخاسته‌اند. درحقیقت در وجود امام عصر(عج) اموری جمع شده که هرکدام از آنها موجب اهتمام ورزیدن در نصرت و یاری آن جناب است، زیرا که یاری نمودن او یاری مظلوم، نصرت غریب، یاری عالم، کمک به ذی القربی، نصرت ولی نعمت یاری کسی که خداوند او را یاری می‌کند، نصرت کریم، شریف، طرید، خون‌خواه، مهجور و مضطر می‌باشد» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۷۸۱).

پیروزی لشگر حق بر باطل و یاری خداوند نسبت به بندگان مرسل و مخلصان وعده‌های قطعی است که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ» (صافات ۱۷۱، ۱۷۲) یعنی وعده‌ای که از آغاز بوده یاد کرده است سپس با بیان آیه شریفه «... وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم/ ۴۷) این نصرت و یاری را حقی برای مؤمنان معرفی می‌کند. در جای دیگر خداوند می‌فرماید «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي...» (مجادله/ ۲۱). این امر برای خداوند امری سهل می‌باشد؛ زیرا که قدرت خداوند متعال بالاترین قدرتهاست «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/ ۱۰). بنابراین دعای ما صرفاً از باب ادای مودت و تمنا بر استمرار این سنت می‌باشد. اما منظور امام رضا(ع) از این که می‌گوید برای امام زمان(عج) «نصری عزیز» قرار بده چیست؟ در معنای نصر عزیز گفته شده آن نصرتی است که اگر به کسی عطا شود هیچ جبار عنید و دشمن نیرومند نتواند کاری به ایشان بکند. خداوند متعال چنین نصرتی را به رسول اکرم(ص) عطا کرده بود برای این که دین او را خلل ناپذیرترین ادیان کند و سلطنت او را عظیم‌ترین سلطنت قرار دهد «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا» (فتح/ ۳) (طباطبائی، ۱۳۸۶: ج ۱۸، ص ۳۸۶). نصری که به آن وعده داده شده ایم «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (نصر/ ۱). امام رضا(ع) از خداوند می‌طلبد که مشابه چنین

نصری را که با امدادهای الهی و نزول سکینه بر قلب مؤمنین محقق می‌شود برای امام عصر(عج) اراده نماید.

۳-۱۰- تایید حضرت مهدی(عج) با سپاه غالب

لشکری که امام رضا(ع) از آن یاد می‌کند لشکری است که بر همه لشکرها پیروز است «و إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات/۱۷۳). با توجه به آیات و روایات دریافت می‌شود که جندهای غالب شامل سه لشکر اصلی می‌باشد. از امام صادق(ع) روایت است که در تفسیر آیه شریفه «آتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ...» (نحل/۱) فرمودند: «آن امر ماست که خداوند فرموده است نباید در آن شتاب شود. خداوند امام زمان(عج) را به وسیله سه سپاه یاری می‌کند فرشتگان، مؤمنان، رعب و وحشت در دل دشمنان و ظهور او مانند ظهور رسول اکرم است» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۵۳۷)

۳-۱۰-۱- فرشتگان: «وَأُورِدُهُ بِمَلَائِكَتِكَ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)

یکی از لشگرهایی که خداوند با آن امام زمان(عج) را یاری می‌نماید سپاه فرشتگان است. سپاهی که خداوند مجاهدین بدر و مؤمنین را در جنگ‌های مختلف با آن یاری نمود. خداوند مجاهدین بدر را با هزار فرشته پشت سرهم ردیف شده (انفال/۹) سه هزار ملائکه فرود آمده و پنج هزار فرشته نشانه دار کمک کرد(ال عمران/۱۲۴ و ۱۲۵) در حالی که از نظر عدّه و عدّه ضعیف بودند. از امام صادق(ع) روایت است که «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر یاری دادند هم اکنون در روی زمین هستند و انتظار قیام قائم را می‌کشند» (تونه‌ای ۱۳۹۰: ص ۵۳۸). در حدیثی دیگر از امام باقر(ع) آمده است «هنگامی که قائم آل محمد

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

(عج) ظهور نماید، خداوند او را به وسیله گروههای فرشتگان پیاپی (مردفین)، فرود آورده شده (منزلین) و مقرب (کروبین) یاری خواهد کرد» (نعمانی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۶).

۳-۱۰-۲- مؤمنان

در این باره از امام صادق (ع) روایت است که «۳۱۳ مرد در مکه با آن حضرت بیعت می‌کنند، آن حضرت در مکه می‌ماند تا ده هزار نیرو کامل شود، آن گاه به سوی مدینه حرکت می‌کنند» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۷۷۹).

۳-۱۰-۳- رعب

همان‌طور که می‌دانیم در جنگ، اسلحه هرچند پیشرفته باشد به تنهایی کارساز نیست. لازمه پیروزی روحیه قوی جنگی، ثبات قدم، ایمان به هدف و بهره‌گیری از بهترین تاکتیک‌ها و سازماندهی‌های جنگی می‌باشد. به عنوان مثال طالوت و سپاه او اگرچه از نیروی حسابی در برابر جالوت بی بهره بودند، اما با استفاده از روح ایمان و ثبات قدم جالوت را با لشگریانش از پای در آوردند (بقره/۲۵۰ و ۲۵۱) و یا در نبردهای پیامبر اکرم (ص) می‌بینیم ساز و برگ نظامی ایشان در مقایسه با ساز و برگ نظامی دشمنانشان بسیار اندک بود اما روحیه نیرومند جنگی، ایمان، ثبات قدم و استفاده از تازه‌ترین و پیشرفته‌ترین تاکتیک‌های رزمی که تا آن زمان هیچ ژنرال و فرمانده نظامی رومی، یونانی و ایرانی از آن استفاده نکرده بود حضرت محمد (ص) را به پیروزی رساند. قیام حضرت مهدی (عج) تداوم قیام حضرت رسول اکرم (ص) است و آن حضرت آخرین ودیعه و ذخیره خداوندی است. لذا آن حضرت از تاکتیک‌های نوین و پیشرفته‌ای بهره می‌گیرد که کسی از آن استفاده نکرده است و یاران آن حضرت با همان روحیه اصحاب بدر می‌جنگند

و در دل دشمنان رعب و خوف به وجود می‌آورند. آری یکی از تأییدات غیبی الهی این بود که در دل مؤمنان آرامش و پایداری و در دل کافران رعب و ترس ایجاد می‌کرد. آرامشی که از شدت آن خواب بر مسلمانان جنگ بدر عارض شده بود و رعبی که قدم‌های دشمنان آن‌ها را سست می‌نمود «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...» (آل عمران/۱۵۱). قائم ما نیز با رعبی که در دل دشمنان به وجود می‌آید نصرت می‌یابد و با نصرت خداوندی تأیید می‌شود (اربلی، ۱۳۸۱ق ج ۲، ص ۵۳۴). در حقیقت دشمنان سعی می‌کنند از برون ضربه نخورند، اما خداوند آن‌ها را از درون متلاشی میکند و می‌دانیم ضربه درونی جانکاه‌تر و جبران‌ناپذیرتر است، چرا که اگر تمام سلاح‌ها و ارتش‌های دنیا در اختیار کسی باشد ولی روحیه نبرد نداشته باشد محکوم به شکست و نابودی است. از امام باقر(ع) روایت شده که فرمودند «گویا هم اکنون حضرت قائم(عج) و یارانش را می‌بینم... که جبرئیل در سمت راست حضرت مهدی(عج) و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می‌کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیان‌ش و پشت سر آن‌ها به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می‌رساند (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۷۸۲).

۳-۱۱- قوت بخشی به حضرت مهدی(عج)

حول و قوه الهی قدرتی غیر قابل تصور است، قوتی که با نهایت سهولت، عالم امکان را اداره می‌کند. زمانی که از حضرت حق درخواست می‌کنیم که با قوت خود امام زمان(عج) را توانمند کند تلویحاً درخواست می‌کنیم که نگذارد ضعف‌های ما ذره‌ای به قدرت حضرت(عج) لطمه وارد کند تا حضرت علی‌الدوام مظهر اسم «قوی» خداوند باشد. امام زمان(عج) یاری‌کننده خداوند است و این وعده الهی است که خداوند ایشان را با قوت خویش یاری خواهد نمود «...وَأَيُّضْرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰) و هیچ حول و قوتی جز به مدد خداوند متعال نمی‌باشد «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

نهایتاً زمانی که برای امام زمان (عج) قوت الهی را طلب می‌کنیم خودمان هم از آن بهره مند می‌شویم و از انواع ضعف‌ها در امان می‌مانیم.

۱۲-۳- فتح و غلبه حضرت مهدی (عج): «وَ افْتَحَ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَيَّ عَدُوًّا وَ عَدُوَّهُ سُلْطَانًا نَصِيرًا» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۴)
در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: آیه مبارکه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف/۱۳) اشاره به فتح حضرت قائم (عج) دارد (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۵۳۱).

همان‌طور که می‌دانیم امام حسین (ع) انسان ممتازی است که مظلوم کشته شده و تاکنون انتقام خون به نا حق ریخته وی گرفته نشده است. خداوند حضرت مهدی (عج) را که از فرزندان آن حضرت و وارث خون آن شهید مظلوم است خون‌خواه حضرتش قرار داده و به وی قدرت و سلطنت عطا فرموده و او را منصور نام نهاده است تا هنگامی که امر ظهور از طرف خدا امضا شود با قوت و قدرت و تأیید خداوند قیام کند و همه جباران و ستمگران و ستم‌پیشگان را طعمه شمشیر سازد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۳). در «ینابیع الموده» در تفسیر این آیه مبارکه آمده است که این آیه درباره امام حسین (ع) «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» و حضرت مهدی (عج) «لَوْلِيَّهِ» نازل شده است (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۳۰۸). به عبارتی امام رضا (ع) از خداوند درخواست می‌کند که برای امام زمان (عج) در این قیام جهانی دخول به صدق و خروج به صدق قرار داده و از جانب خودش برای او تسلطی یاری بخش مقرر بدارد؛ «وَ قُلْ رَبِّ اُدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيْرًا» (اسراء/۸۰)

۴- شرح دعای حضرت رضا(ع) برای فرزندش حضرت مهدی(عج) در قنوت نماز جمعه اصل عبودیت عبارت از خضوع و عرض نیاز به درگاه خداوند است و بهترین حالتی که این خضوع در انسان هویدا می‌شود حالت نماز می‌باشد، مخصوصاً در حالت قنوت که بیانگر فقر و ذلت آدمی در محضر غنی مطلق است.

امام رضا(ع) با بیان این دعا دو نکته را به ما آموزش می‌دهند:

الف) یکی از بهترین مواقع دعا برای امام زمان(عج) در قنوت نماز است.

ب) چون جمعه سید الايام یعنی بهترین روز هفته و نماز جمعه از مهمترین عبادات می‌باشد، دعا در قنوت نماز جمعه از اهميت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۱- اصلاح امر حضرت مهدی(عج): «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸)

اصلاح در لغت به معنای بهبود بخشی است و بهترین مصداق آن بهبود و اصلاح امر امام زمان(عج) در قیام جهانی است تا دین به معنی کامل آشکار گردد «...لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف/۹).

پیامبر اکرم(ص) درباره اصلاح امر امام زمان(عج) فرموده‌اند: «يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۶۹) یعنی خداوند امر حضرت مهدی(عج) را در یک شب اصلاح می‌کند. در حقیقت همان راه‌هایی که برای حفظ و سلامت و اصلاح انبیاء و اولیای گذشته وجود داشته و در قرآن و روایات بیان شده است در مورد آخرین حجت الهی نیز وجود دارد و وجه شباهت اصلاح امر انبیاء با اصلاح امر امام زمان، همان اعلان دعوت و آشکار کردن آن است. اعلانی که به اذن خداوند آغاز شده و هیچ تقییه‌ای در آن وجود نداشته باشد، یعنی انبیاء الهی در مقام نبوت مأمور به تقییه نبوده و موظف به بیان آن چه بر آنها

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

وحی می‌شد بودند، درباره حضرت مهدی (عج) نیز همین‌گونه خواهد بود، حضرت به اذن خدا ظهور کرده و تقیه در کارشان نخواهد بود.

۴-۲- بزرگداشت حضرت مهدی (عج): «وَ حُفَّهٖ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱ ص ۲۰۸)

لغت حرف از ریشه (ح ف ف) به معنای چرخیدن دور یک چیز است. این لغت در قرآن در سوره زمر به ملائکه الهی برای طواف عرش خداوند اختصاص داده شده است «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ...» (زمر/۷۵). امام رضا (ع) از خداوند می‌خواهد همان‌طور که ملائکه، عرشش را که مظهر مدیریت و مالکیت اوست طواف می‌کنند چنین طواف و بزرگداشتی را برای آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی (عج) مقرر سازد تا از ایشان نگهداری کنند، او را بزرگ دارند و اوامر او را اجرا نمایند، زیرا یکی از اهداف چرخش، نگهداری است و هدف مهمتر، تعظیم و بزرگداشت می‌باشد. همچنین این فراز از دعا بیان یکی از وجه شباهت‌های امام معصوم به کعبه معظمه است که در روایت حضرت فاطمه (س) به نقل از رسول خدا (ص) آمده است «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي» «مثل امام مانند کعبه است که مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید» (شجاعی، ۱۳۸۴، ص ۸۵) (بروجردی، سلسله دروس امام زمان شناسی).

۴-۳- تایید حضرت مهدی (عج) به واسطه روح القدس

در ادامه امام رضا(ع) از خداوند درخواست می‌کند که حضرت مهدی(عج) را با روح القدس یاری فرماید. روح القدس در قرآن مجید گاه درباره حضرت عیسی(ع) و گاه درباره پیامبر اکرم(ص) آمده است. در مورد حضرت مسیح(ع) می‌خوانیم «...وَ آتینا عِیسَى ابْنَ مَرْیَمَ الْبِیِّنَاتِ وَ أیدناه بِرُوحِ الْقُدُسِ...» (بقره/۸۷) و یا «...إِذْ أیدتکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهَلَا...» (مائده/۱۱۰) و در مورد پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم «قُلْ نَزَلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِّ...» (نحل/۱۰۲). در تفسیر آیه شریفه «وَ کَذَلِکَ أوحینا إلیکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا...» (شوری/۵۲) چنین نقل شده است «مُنذُ أَنْزَلَ اللهُ ذَلِکَ الرُّوحَ عَلَی نَبِیِّهِ مَا صَعَدَ إلی السَّمَاءِ وَ إِنَّهُ لَفِینَا» (کلینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۷۵۰) اما منظور از این روح که در وجود ائمه می‌باشد چیست؟

به عقیده مفسران اسلامی درباره روح القدس چند احتمال وجود دارد از جمله:
الف) منظور جبرئیل است. به عنوان مثال در آیه ۱۱۰ سوره مائده مراد از این که خداوند عیسی را با روح القدس تأیید فرمود آن است که خداوند جبرئیل را مدد کار عیسی(ع) قرار داد(تونه ای، ۱۳۹۰، موعودنامه، ص ۳۶۹).

ب) منظور نیروی غیبی است که عیسی(ع) را تأیید می‌کرد و با همان نیروی اسرار آمیز مردگان را به فرمان خداوند زنده می‌ساخت(تونه ای، ۱۳۹۰، موعودنامه، ص ۳۶۹).

با توجه به روایت «إِنَّ فِی الْأَنْبِیَاءِ وَ الْأَوْصِیَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحِ رُوحِ الْقُدُسِ وَ رُوحِ الْإِیْمَانِ وَ رُوحِ الْحَیَّاهِ وَ رُوحِ الْقُوَّهِ وَ رُوحِ الشَّهْوَةِ فَبِرُوحِ الْقُدُسِ یَا جَابِرُ عَرَفُوا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إلی مَا تَحْتَ الثَّرَى ثُمَّ قَالَ یَا جَابِرُ إِنَّ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ أَرْوَاحٌ یُصِیْبُهَا الْحَدَثَانُ إِلَّا رُوحَ الْقُدُسِ فَإِنَّهَا لَا تَلْهُو وَ لَا تَلْعَبُ» (کلینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۷۴۸) این روح، روح مخصوصی است که به افراد خاص اعطا می‌شود و در پیامبران و اوصیاء وجود دارد. قدرت معنوی این روح بالا بوده و از هرگونه کار لهو و لعبی به دور است و همچنین در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که عامل حمل نبوت روح القدس است و به سبب آن است که نبوت پا برجاست، لذا

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

هنگامی که پیامبر(ص) از دنیا رفتند، روح القدس از وجود ایشان به وجود امام منتقل گردید. روح القدس نمی‌خواهد، غفلت نمی‌ورزد و کار لهُو انجام نمی‌دهد، بر خود نمی‌بالد و امام همه چیز را با روح القدس درک می‌کند(کلینی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۷۴۸).

در حقیقت درخواست امام رضا(ع) به معنای درخواست فقط ایجاد شیء نیست، بلکه درخواست بر مداومت یاری امام زمان(عج) توسط روح القدس بوده به این دلیل که اگر ما هم دعا نکنیم خداوند متعال امام زمان(عج) را با روح القدس یاری می‌فرماید.

۴-۴- سلوک رصد

اما در این فراز از دعا منظور از سلوک رصد من بین یدیه و من خلفه چیست؟ آیات مرتبط با این فراز در قرآن کریم آیات شریفه «عالم الغیب فلا یُظهِرُ عَلٰی غیبه احدًا، اِلَّا مَنْ ارْتَضٰی مِنْ رَسُوْلٍ فَاِنَّهٗ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا...»(جن/۲۶ و ۲۷) می‌باشد یعنی «کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد که در این صورت برای او از پیش رو و از پشت سرش نگهبانانی بر خواهد گماشت تا معلوم بدارد که پیام‌های پروردگار خود را رسانیده‌اند». در شرح آیه فوق در تفسیر المیزان آمده است که مراد از «من بین یدیه» پیش روی رسول و مردمی است که به سوی آنان فرستاده شده و مراد از «من خلفه» بین امام(ع) و بین مصدر وحی یعنی خدای سبحان است و منشأ این تعبیر امتداد و مسافت موهومی است که انسان از شنیدن کلمه رسالت در ذهن خود تصور می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۲۰، ص ۸۴). با توجه به آیه شریفه «اِذْ جَاۤءَتْهُمُ الرَّسُلُ مِنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰهَ»(فصلت/۱۴) بعضی جایز دانسته‌اند که مراد از «من بین یدیه»

آینده و مراد از «مِنْ خَلْفِهِ» گذشته باشد، لذا می‌توان برداشت کرد که امام رضا(ع) از خداوند می‌خواهد که امام زمان(عج) را در همهٔ زمان‌ها چه حال حاضر و چه آینده از هر سوء، حفظ و حراست نماید و سوء؛ به هرچیز بد و نامطلوب گفته می‌شود، حال ممکن است این بدی مادی یا معنوی باشد یعنی جان امام یا حال امام را تهدید نماید. واژهٔ رصد به معنای مراقب و محافظ در کلام عربی به کار برده شده است و اما «سلوک رصد» در پیش رو و پشت سر رسول، برای حفظ وحی از هرگونه تغییر و کم و زیاد شدن است که ممکن است از ناحیهٔ شیاطین با واسطه یا بی واسطه صورت گیرد، تا در نهایت رسالات بدون تغییر و تبدیل به مردم ابلاغ شود. این فراز از دعا می‌رساند که حضرت مهدی(عج) حافظ سرِّ خداوند و علم غیب او بوده، علم غیبی که خداوند فقط به آن‌ها که مورد رضای او هستند اختصاص می‌دهد بنابراین لازم است برای مراقبت از او محافظان یا معقباتی گمارده گردد تا او را در امر خداوند محافظت کنند.

۴-۵- امنیت بخشی به حضرت مهدی(عج)

«أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطَانًا» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸)

در این فراز و در روایات مختلفی سخن از خوف حضرت(عج) به میان آمده است. اما مراد از خوف چیست؟ در این رابطه زراره نقل نموده که از ابا عبدالله صادق(ع) شنیدم که فرمود «قائم(ع) را پیش از قیام، غیبی است عرضه داشتم چرا؟ فرمود او می‌ترسد و اشاره به شکم خود کرد یعنی از کشته شدن می‌ترسد» (اصول کافی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۴۳) و از امام سجاد(ع) نیز روایت شده که فرمود «در حضرت قائم(ع) از هفت پیامبر شیوه و روش است... و اما از موسی ترس است» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۲۲۲). آن جا که حضرت موسی و هارون از طرف خداوند مأمور به رفتن به سوی فرعون می‌باشند و به خداوند عرضه

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

می‌دارند «قالا رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى» (طه/۴۵) و خداوند متعال به آنها وعده ایمنی از ترس می‌دهد «قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَ أَرَى» (طه/۴۶). خداوند متعال این چنین با امداد خود ترس حضرت مهدی (عج) را تبدیل به امنیت خواهد نمود، چنانچه از امام صادق(ع) در تفسیر آیه شریفه «...وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور/۵۵) آمده که فرمود «یعنی قائم(عج) و اصحاب او» (تونه ای، ۱۳۹۰: ص ۲۲۲). در این بخش از دعا امام رضا(ع) به گونه‌ای برای امر ظهور دعا می‌کنند تا اگر حضرت مهدی(عج) به خاطر حفظ جان غائب شده‌اند و ترس از کشته شدن و ابلاغ نشدن رسالت الهی در پهنه گیتی مانع ظهور است، شرایط برای رفع این موانع و در نهایت ظهور حضرت فراهم گردد و مقدمات تشکیل حکومت حضرت برای پرستش خداوند، نابودی همه جانبه شرک و تبدیل جامعه خودمحور به خدامحور بنیان گذارده شود.

۴-۶- دعوت به خدا پرستی و نفی شرک

این فراز از دعا اختصاص به توحید عملی دارد به این دلیل که بعد از عبارت «أَعْبُدُكَ» عبارت «لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا» آمده است، به این معنا که شخص موحد، عمل صالح خود را صرفاً به خاطر رضای خداوند انجام دهد، نه به خاطر پیروی هوای نفس که در این صورت لقاءالله حاصل می‌شود «...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰). در حقیقت یکی از مهمترین اهداف یگانه منجی عالم بشریت دعوت به خداپرستی و نفی کلی شرک از جامعه بشری می‌باشد، مفهومی که خداوند در قرآن کریم با آیاتی چون «...أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا...» (آل عمران/۶۴) به آن فرا خوانده است. خداوند با بیان آیه شریفه «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور/۵۵) هدف نهایی فراهم آمدن حکومت عدل مهدوی و ریشه دار شدن آیین حق و گسترش امن و آرامش را همان استحکام پایه‌های عبودیت معرفی می‌کند. به عبارتی حضور حضرت در میان مردم توحید و یکتا پرستی را گسترش خواهد داد، زیرا که حقیقت شناخت خدا تسلیم شدن نسبت به حجت اوست و آن کسی که چنین تسلیمی ندارد در واقع موحد نیست. چنین کسی سر تسلیم در مقابل امامان کفر فرود می‌آورد و ولایت آنان را می‌پذیرد و مشرک می‌شود. بنابراین خداشناسی، در گرو شناخت و پیروی کامل از حجت خدا بوده و دشمنی با امام نیز طریق شرک و گمراهی می‌باشد. امام رضا(ع) در این فراز از دعا از خداوند درخواست می‌نماید که شرایط برای تشکیل حکومت عدل جهانی هر چه زودتر فراهم گردد تا در سایه اقتدار و امنیت آن حکومت، درجه لقاء الله حاصل شود. در ادامه از خداوند خواسته می‌شود که برای حضرت دخولی به صدق قرار داده شود تا سلطنت از آن حضرت باشد و برای او تسلطی یاری بخش وجود داشته باشد تا همه مطیع ایشان بوده و از ایشان پیروی کنند «... وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا» (اسراء/۸۰).

۴-۷- اذن جهاد به حضرت مهدی(عج):

«وَ أذْنُ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ» (موحدابطحی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۸)

در این فراز از دعا امام رضا(ع) به خداوند عرضه می‌دارد به امام زمان(عج) اذن جهاد با دشمن و دشمنش را صادر فرما زیرا به حضرت ظلم شده است، زیرا خونخواه جدش امام حسین(ع) می‌باشد «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا» (قمی، ۱۳۷۶: ص ۸۸۶). با توجه به آیات قرآن این اذن و اجازه به صورت یک سنت کلی و حتمی برای کسی که پس از ستم دیدن خود یاری جوید وجود دارد «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری/۴۱) یعنی «و هر که پس از ستم دیدن خود یاری جوید و انتقام گیرد راه نکوهشی

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

بر ایشان نیست». اما در رابطه با آیه فوق از امام باقر(ع) روایت شده که «منظور از وَاذِنَ لِّلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/۳۹) امام صادق(ع) فرموده‌اند: «او قائم(عج) است که برای خونخواهی امام حسین(ع) قیام می‌کند» (نعمانی ۱۳۹۰: ص ۳۸۸).

با توجه به آیات فوق، روشن شد که اذن جهاد برای مظلوم، یکی از سنت‌های حتمی خداوند می‌باشد و این اذن برای بزرگترین مظلوم عالم؛ یعنی مهدی قائم(عج) پیشاپیش صادر شده است، بنابراین منظور امام رضا(ع) از بیان این بخش از دعا، درخواست بر استمرار این سنت و تعجیل در امر آن می‌باشد تا فرشتگان الهی به اذن خدا بر این امر مقرر شده نزد امام زمان(عج) فرود آیند «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر/۴).

باید توجه داشت که حضرت مهدی(عج) نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهایی بخشد و به قدری در این مورد بی‌تاب است که حتی وقت خروج وارد مسجد الحرام می‌شود و بین مقام ابراهیم(ع) و کعبه دو رکعت نماز می‌خواند و پشت به حجر الاسود زده سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و آن‌چنان گریه و تضرع می‌کند که به زمین می‌افتد چنانچه امام صادق(ع) در شرح آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ...» (نمل/۶۲) می‌فرماید «سوگند به خدا، مضطر همان قائم(عج) است» (محمّدی اشتهااردی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۲).

۴-۸- انصار حضرت مهدی(عج): «وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
(موحدابطحی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۸)

یکی از وظایف مؤمنان، نصرت و یاری کردن آن حضرت می‌باشد که نصرت خداوند متعال است. یاری کردن امام عصر(عج)، این است که مؤمن نسبت به آن چه خواست آن حضرت است اقدام نماید. نصرت در زمان غیبت به آن است که مؤمن خود سازی کند و در حق آن حضرت و شیعیان او دعا نموده مناقب و فضایل آن حضرت را بیان نماید. اما نصرت در زمان ظهور با جهاد کردن در کنار امام عصر(عج) و صبر بر سختی‌ها و بذل مال و جان و آبرو به دست می‌آید. در این بخش امام رضا(ع) اشاره به یاران واقعی حضرت(عج) دارند که قول و فعلشان یکی است و تا پای جان از دین و ولی خود دفاع می‌کنند. یارانی که هم در قرآن کریم از آن‌ها به «...صَفًّا كَانْتَهُمْ بُنِيَان مَرصُوص» (صف/۴) تعبیر شده و هم در روایات: «...وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا كَانْتَهُمْ بُنِيَان مَرصُوص عَلَي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ وَ آلِهِ (ع) ...» (قمی، ۱۳۷۶: ص ۸۹۱).

امام صادق(ع) ذیل آیه «...فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۴۸) می‌فرماید: «مراد جمیع اصحاب قائم می‌باشند که ۳۱۳ نفر هستند که امت معدوده می‌باشند و در یک ساعت واحد قیام خواهند کرد و اسامی آن‌ها در مسند حضرت فاطمه(س) مندرج است» (صفائی کاشانی، ۱۳۷۶: ص ۱۳۱).

در پایان حضرت به خداوند عرضه می‌دارند که نه تنها تو بر پیروزی مظلوم بر ظالم و گرد آوری اصحاب و انصار قادری، بلکه بر هر چیز توانا هستی «...اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران/۱۸۹).

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: «اگر می‌خواستم قرآن را در کمتر از این زمان ختم میکردم، اما هیچ یک از آیه‌های قرآن را نمی‌خوانم مگر این که در آن تأمل و اندیشه می‌کنم

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

که در چه زمینه‌ای و در چه زمانی نازل شد و بدین سبب است که قرآن را در سه شبانه روز به پایان می‌رسانم» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۴۲۰). امید است که بتوانیم با تفکر و تدبّر در آیات قرآن کریم به عمق معانی آن پی برده و سخنان حکیمانه ائمه را که به تعبیری قرآن صاعد خوانده شده‌اند راهنمای راه خود سازیم.

نتیجه

با توجه به مقایسه‌ای که بین مضامین ادعیه بیان شده از جانب امام رضا(ع) و آیات شریف قرآن مجید انجام گردید این مطلب دانسته شد که مضامین ادعیه امام رضا(ع) کاملاً منطبق و همسو با آیات قرآن مجید است. به عبارتی محورهای اصلی هر دو، عدالت مداری، ظلم ستیزی و تحقق یک جامعه آرمانی برای مستضعفان می‌باشد. امام رضا(ع) با تکیه بر حقایق نورانی و استوار قرآن کریم به ما می‌آموزند که چگونه با سیره و روشی متین، استوار، عملی و کاملاً هم سو با قرآن کریم به ستم ستیزی، عدالت مداری، و عدل پروری بپردازیم. با توجه به این که بعضی از خرده‌گیران اهل کتاب با ایرادهای خود نسبت به احادیث شیعیان به ردّ آن‌ها پرداخته‌اند، این امام بزرگوار با استفاده از مفاهیم و آیات قرآن مجید حکومت عدل جهانی مهدوی را به تصویر می‌کشند و تلویحاً به شیعیان اشاره می‌کنند که سپر دفاعی آن‌ها در مجادله با اهل کتاب، تبعیت از قول احسن می‌باشد «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت/۶۶) و چه قولی صادق‌تر از قول خداوند که فرمود «...وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء/۱۲۲). ادعیه صادر شده از ائمه اطهار یکی از شیوه‌های مبارزه‌ای این بزرگواران در طول تاریخ بوده است و به دلیل منطبق بودن آن‌ها با آیات قرآن مجید، در

روایات از این ادعیه به «قرآن صاعد» نام برده شده است. با توجه به این مطلب که در دنیای امروز دین به حاشیه رانده شده و تفکر سکولار غالب گشته است، حفظ اعتقاد راسخ به گذشته سرخ حسینی و آینده سبز مهدوی و دفاع از دین و وظیفه‌ای است خطیر و امروزه ما شیعیان شکل گیری این نوع اندیشه را مدیون معمار کبیر انقلاب امام خمینی(ره) هستیم که در عصر تاریکی و ظلم، منادی دفاع از دین و بحث مهدویت شدند.

منابع

قرآن کریم.

۱. اربلی، علی ابن عیسی، (۱۳۸۱)، *کشف الغمّه فی معرفه الائمه*، تبریز: بنی هاشمی.
۲. بروجردی، زهره، *سلسله دروس امام زمان شناسی*، پایگاه اینترنتی: www.emamraoof.ir
۳. تونه‌ای، مجتبی، (۱۳۹۰)، *موعود نامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم: مشهور/ میراث ماندگار.
۴. شجاعی، محمد، (۱۳۸۴)، *آشتی با امام زمان(ع)*، قم: محیی.
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۸۰)، *گفتمان مهدویت*، قم: مسجد جمکران.
۶. صدوق، علی بن حسین، (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، ترجمه: غفاری و مستفید، تهران: صدوق.
۷. صدوق، علی بن حسین، (۱۳۸۶)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: منصور پهلوان، قم: مسجد جمکران.
۸. صفائی کاشانی، علی، (۱۳۷۶)، *اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن*، تهران: مفید.
۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدا، نشر اسلامی.
۱۰. قرائتی، محسن، (۱۳۸۵)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۱. قمی، عباس، (۱۳۷۶)، *مفاتیح الجنان*. ترجمه: موسوی کلانتری دامغانی، قم: دار العلم.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۹)، *کافی*، تهران: جهان آرا.
۱۳. محمدی اشتهاردی، محمد، (۱۳۸۰)، *حضرت مهدی(ع) فروغ تابان ولایت*، قم: مسجد جمکران.

شماره ۳۴ و ۳۵ / بهار و تابستان ۱۳۹۲

۱۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
۱۶. موحدابطحی، محمد باقر (۱۳۸۱)، *الصحیفه الرضویه الجامعه*، قم: موسسه الامام المهدی.
۱۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۰)، *الغیبه نعمانی*، ترجمه: محمد فرودی، قم: انتخاب اول.
۱۸. *نهج البلاغه*.
۱۹. واحد تحقیقات مسجد جمکران (۱۳۸۰)، *وظایف منتظران*، قم: مسجد جمکران.